

الف .

هر کدام نیم نمره

۱ . غ

۲ . ص

۳ . غ

۴ . ص

۵ . غ

۶ . ص

ب.

هر کدام نیم نمره

۱. تعهد و مسئولیت (یک مورد کافیه)

۲. فلسفه روشنگری

۳. پسا مدرن

۴. مقاومت منفی

ج.

هر کدام نیم نمره

۱ . بحران معرفتی

۲ . رویکرد گزینشی (به ابعاد معنوی و دینی)

۳. استعمار گر و استعمار زده

۴. اسلام

۵. استعماری

۶. اشکالات محدود کردن علم به شناخت علمی و یا عقلی

د.

هر سوال یک و نیم نمره

۱.

توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی

تثبیت مرجعیت علمی غرب

(۰.۷۵)

یکی از این توضیحات کافیست .

علوم انسانی غربی که بر بنیان های هستی شناختی، انسان شناختی

معرفت شناختی غرب بعد از رنسانس شکل گرفته اند، زندگی آدمی را بدون توجه به

ابعاد معنوی آن، به گونه ای سکولار تعریف می کنند و سازمان می دهند. توضیحات

مربوطه دیگر که مقصود را برساند کافیست

جوامع غربی، بخشی از علوم طبیعی را که برای خدمت رسانی

به غرب مورد نیاز است، به کشورهای در حال توسعه آموزش می دهند ولی از آموزش

دانش های راهبردی، خودداری میکنند.

۲.

نظریه جنگ تمدن ها که ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرد، نظریه ای بود که

عملیات نظامی قدرت های غربی در مقابله با مقاومت های کشورهای غیرغربی را

توجیه می کرد. (نیم نمره)

آخرین مرحله درگیری ها در جهان معاصر، با عنوان جنگ تمدن ها یاد میشود. این مرحله، دیگر دولت - ملت ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین المللی نیستند و رقابت ها و درگیری ها، بین فرهنگ ها و تمدن های بزرگ نه بین دولت - ملت ها به وقوع خواهد پیوست و در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگ ترین تهدید برای غرب است . (یک نمره)

۳.

در نگاه توحیدی، طبیعت و هر چه در آن است، آیات و نشانه های خداوند ند، همه موجودات طبیعی به تسبیح خداوند مشغول اند و به سوی او بازمی گردند. (نیم نمره)

در نگاه اساطیری هم، طبیعت ماده خام نیست، بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است. (نیم نمره)

انسان مدرن به دلیل نگاه دنیوی، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می پندارد و تصرف در طبیعت را تنها با فنون و روش های تجربی انجام می دهد، از این رو، گسترش سریع صنعت و فناوری مدرن، با وجود اینکه توانمندی و آسایش بیشتری برای بشر فراهم آورده، زیان های جبران ناپذیری به او و طبیعت، وارد کرده است. (نیم نمره)

۴.

برخی از نخبگان جهان غرب را به جست وجوی سنت های قدسی و دینی وا داشت (نیم نمره)

کشورهای غربی را که اغلب مرعوب فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت مهاجران ساکن دینی خود فراخواند. (نیم نمره)

بازار معنویت های کاذب و دروغین را رونق بخشید؛ خرافه پرستی، شیطان پرستی، انواع بازسازی شده ادیان و عرفان های شرقی و سرخ پوستی، نمونه هایی از این معنویت های دروغین هستند. (نیم نمره)

۵.

۳ مورد کافیت ، هر مورد نیم نمره
نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی کردند، بلکه حضور سیاسی و
اقتصادی آنان را فرصت می دانستند.

مانند بیدارگران اسلامی، خواستار اصلاح رفتار دولت ها در کشورهای اسلامی بودند.
برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را بازگشت به اسلام نمی دانستند بلکه بیداری را
در تقلید از رفتار فرنگیان می دیدند

مفهوم امت و ملت اسلامی برای آنها بی معنا یا منفور بود و در مقابل، به ناسیونالیسم
که اندیشه سیاسی قوم گرایانه غرب متجدد بود، روی آورده بودند.

۶.

شبهات انقلاب اسلامی ایران، انقلاب ها و جنبش های آزادی بخش قرن بیستم، همگی
جهت گیری ضداستعماری داشتند و در جهت از بین بردن سلطه سیاسی کشورهای
غربی عمل می کردند. (۰.۵)

۲ تفاوت کافیت (هر کدام نیم نمره)

انقلاب های آزادی بخش، اغلب با جنبش های چریکی گروه ها و احزاب مختلف شکل می گرفتند. اما انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فراگیر مردمی با مرجعیت و رهبری دینی بود و همه اقشار و گروه های جامعه را در بر گرفت.

انقلاب های آزادی بخش در چارچوب نظریه ها و مکاتب چپ شکل می گرفتند که برای حل بحران های جهان غرب به وجود آمده بودند ولی انقلاب اسلامی ایران از آموزه های اسلامی بهره میبرد و به فلسفه ها و مکاتب سیاسی غرب تعلقی نداشت .

انقلاب های آزادی بخش در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می شدند ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند؛ و به همین سبب، استعمار با دست کارگزاران این انقلاب ها، در چهره استعمار نو باز می گشت. این انقلاب ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیه قطب های سیاسی و اقتصادی جهان خارج کنند اما انقلاب اسلامی ایران فقط یک انقلاب سیاسی نبود بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت. این انقلاب بیرون از قطب بندی سیاسی شرق و غرب، یک قطب بندی جدید فرهنگی به وجود آورد و خود در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.

انقلاب های آزادی بخش اغلب در مقابل بلوک غرب شکل می گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق بودند. ولی انقلاب اسلامی ایران به هیچ یک از دو بلوک وابستگی نداشت و از آغاز، جهت ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی و ضد مارکسیستی خود را اعلان کرد.

روشنگری در معنای عام، پدیده ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست. انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری و از بین بردن موانعی آمده اند که راه را بر حقیقت بسته اند. توضیحات مربوطه دیگر که مقصود را برساند کافیسست (۰.۷۵) روشنگری در معنای خاص، به مبنای معرفت شناسی پذیرفته شده در فرهنگ غرب گفته میشود و روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیزم همراه شده است. توضیحات مربوطه دیگر که مقصود را برساند کافیسست (۰.۷۵)

۸. گروه های مارکسیستی جایگاهی برای اعتقادات دینی قائل نبودند (۰.۷۵) و گروه های ناسیونالیستی اسلام را پدیده ای عربی میدانستند.(۰.۷۵)